

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

## منابع:

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹-۱۳۳۱ ق.
- انصاری هروی، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۶، ذیل «ابوعلی جوزجانی»، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳-۱۳۳۴ ق.
- سلمی، محمد بن حسین، طبقات الصوفیه، به کوشش پترسن، لیدن، ۱۹۶۰.
- عطار، فریدالدین محمد، تذکرة الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، به کوشش و ژوکوفسکی، لنینگراد، ۱۹۲۶.

## برای مطالعه بیشتر:

- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء، قاهره، ۱۳۵۷ ق.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس، به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- شعرانی، احمد بن علی، الطبقات الکبری، قاهره، ۱۳۷۴ ق.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، الرسالة القشیریة، به کوشش معروف زریق و علی عبدالحمید بلطه جی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- کلابادی، ابوبکر بن محمد، التعرف لمذهب اهل تصوف، بیروت، ۱۹۸۰ م.

حسن بن علی عارف و صوفی خراسانی در قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری قمری است.

زمان و محل تولد او دانسته نیست. بنا به نظر سلمی (ص ۲۴۲)، وی تقریباً هم سن محمد بن علی ترمذی (متوفی حدود ۳۲۰ق) و محمد بن فضل بلخی (متوفی ۳۱۸ق) بوده است و به گفته ذهبی (ج ۲، ص ۶۴۵) و ابن حجر (ج ۵، ص ۳۱۰) حدود ۸۰ تا ۹۰ سال عمر کرده است. با در نظر گرفتن این دو مطلب، جوزجانی باید بین ۲۳۰ تا ۲۴۰ق متولد شده باشد، همچنین با توجه به ملاقات وی با علی بن بندار صیرفی در جوزجان و مصاحبت او با مشایخی از خراسان و نیز شهرت وی به جوزجانی می توان نتیجه گرفت که احتمالاً محل ولادت و زندگی او جوزجان یا اطراف آن بوده است (سلمی، ص ۵۳۳؛ انصاری، ص ۲۴۸).

از روش سیر و سلوک و استادان او اطلاعی نداریم. برخی گفته اند که او از مریدان ترمذی بوده است (هجویری، ص ۱۸۶؛ عطار، ص ۵۶۲)، اما با استناد به گفته سلمی (ص ۲۴۲)، که فقط به مصاحبت آن دو اشاره کرده است و این مطلب که آن دو هم سن بوده اند، چنین امری درست به نظر نمی رسد.

جوزجانی با محمد بن فضل بلخی، ابو عثمان سعید، و عبدالله بن محمد رازی مؤنست و مصاحبت داشته است. هجویری ذکر کرده است که ابراهیم سمرقندی شاگرد جوزجانی بوده است، اما از دیگر مریدان و شاگردان او اطلاعی نداریم (سلمی، همان جا؛ انصاری، همان جا؛ هجویری، همان جا).

از ابوعلی آثاری درباره موضوعات عرفانی چون خوف، رجاء، محبت، صبر و رضا باقی مانده است. او آثاری هم در ریاضیات، مجاهدات، معاملات، و آفات سیر و سلوک داشته است (دائرة المعارف بزرگ، ذیل «ابوعلی جوزجانی»).

علی اکبر ولایتی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیر کبیر، ISAM DN. 260935

فی تاریخ الحکماء و الفلاسفة، چاپ خورشید احمد، حیدرآباد، دکن ۱۹۷۶/۱۳۹۶؛ علی بن یوسف قفطی، تاریخ الحکماء، و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء، چاپ یولیوس لیرت، لایپزیک ۱۹۰۳؛ عمر رضا کخّله، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ احمد گلچین معانی، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۸، مشهد ۱۳۵۰ ش؛ صادق گوهرین، حجة الحق ابوعلی سینا، [تهران] ۱۳۴۷ ش؛ محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ منزوی؛ یحیی مهدوی، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، تهران ۱۳۳۳ ش؛ احمدین عمر نظامی عروضی، کتاب چهار مقاله، چاپ محمدبن عبدالوهاب قزوینی، لیدن ۱۹۰۹/۱۳۲۷، چاپ افست تهران [بی تا]؛

Charles Rieu, *Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum*, London 1966.

/ معصومه علی اکبری /

**جوزجانی، ابوعلی** حسن بن علی، از عرفای بزرگ خرابان در قرن سوم. ابو نعیم اصفهانی (ج ۱۰، ص ۱۱۰، ۳۵۰) نام او را جرجانی (جورجانی) آورده است (نیز ← هجویری، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۸۶؛ قس همان، چاپ عابدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۲۵، که جوزجانی آورده است). از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست، زیرا در منابع، بیشتر به اقوال و آرای او پرداخته شده است. به سبب انتساب وی به جوزجان / گوزگان (سلمی، ص ۵۳۳؛ انصاری، ص ۳۰۱)، احتمالاً در آنجا متولد شده است. سلمی (ص ۲۴۲) به مصاحبت جوزجانی با حکیم ترمذی\* و محمدبن فضل بلخی\* اشاره کرده و گفته که وی تقریباً با ایشان هم سن بوده است؛ بنابراین، احتمالاً بیشتر عمر وی در قرن سوم سپری شده است. همچنین از گفته‌های سلمی (ص ۲۴۴) برمی آید که جوزجانی با بایزید بسطامی\* نیز مصاحبت یا گفتگویی داشته است. هجویری (۱۳۸۳ ش، همانجا) او را مرید حکیم ترمذی و از همراهان ابوبکر و زاق\* دانسته و گفته است که وی در زمانه خود بی نظیر بود. ابو نعیم اصفهانی (ج ۱۰، ص ۳۵۰) نیز از وی با تعبیر جبر رتانی یاد کرده است. درباره مریدان و شاگردان جوزجانی، اطلاع دقیقی وجود ندارد. پاره‌ای از سخنان او از طریق ابوبکر رازی و عبدالله بن محمد رازی نقل شده (سلمی، ص ۲۴۲-۲۴۳) و هجویری نیز (همانجا) ابراهیم سمرقندی را مرید وی معرفی کرده است. پیروی از سنت و دوری از بدعت، اهمیت ویژه‌ای نزد پیروجویانی داشته (سلمی، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ عطار، ص ۵۶۲-۵۶۳).

چیزی از دانشنامه علایی باقی نمانده بود. جوزجانی بخش ارثماتیقی (= علم حساب) را از ارثماتیقی شفاء ترجمه و مختصر کرد و ریاضی و هیئت و موسیقی را از رساله‌های دیگر ابن سینا به فارسی ترجمه کرد و به آن افزود (بی‌هقی، همانجا؛ ابن سینا، ۱۳۶۰ ش، مقدمه خراسانی، ص ۵، پانویس؛ نظامی عروضی، حواشی قزوینی، همانجا؛ مهدوی، ص ۱۱۰). به گفته ریوا<sup>۱</sup> (ج ۲، ص ۴۳۳) جوزجانی پس از وفات ابن سینا کلمه دانشنامه را به عنوان آن افزوده است. این گفته او به نظر صحیح می‌رسد، زیرا جوزجانی در شرح حال ابن سینا از این کتاب با عنوان علایی نام برده (← ابن سینا، ۱۹۷۴، تتمیم جوزجانی، ص ۴۶) اما در فهرست آثار ابن سینا در همان سرگذشتنامه از این اثر با عنوان دانشنامه علایی یاد کرده است (← همان، ص ۹۴). نام به ابن سینا، که هدف آن دفع سعایتی است که از وی نزد ابن سینا شده بوده است. متن آن نشان می‌دهد که مدتی میان جوزجانی و ابن سینا دوری بوده است. جوزجانی در این نامه از نثری ادیبانه و شاعرانه بهره برده است (حائری مازندرانی، ج ۱، ص ۳۱-۳۵، ۸) کتاب الحیوان به فارسی (شهرزوری، ج ۲، ص ۴۰). [تتمیم] سیره الشیخ الرئيس که ویلیام ای. گلمان<sup>۲</sup> در ۱۹۷۴ میلادی، آن را به انگلیسی ترجمه و چاپ انتقادی کرده است. (۱۰) خلاص ترکیب الافلاک، در شرح فصول احمدبن محمدبن کثیر فرغانی (منجم دربار مأمون و متوکل عباسی). نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (← گلچین معانی، ج ۸، ص ۳۴۷).

منابع: آقابزرگ تهرانی؛ ابن ابی‌اصیبه، کتاب عیون الانباء فی طبقات الأطباء، چاپ امروالقیس بن طحان [آرگوست مولر]، کونینگسبرگ و قاهره ۱۸۸۲/۱۲۹۹، چاپ افست انگلستان ۱۹۷۲؛ ابن سینا، حی بن یقظان، ترجمه و شرح فارسی منسوب به جوزجانی، چاپ هنری گورین، تهران ۱۳۶۶ ش؛ همو، دانش‌نامه علایی، چاپ احمد خراسانی، تهران ۱۳۶۰ ش؛ همو، سیره الشیخ الرئيس، تتمیم عبدالواحدبن محمد جوزجانی، در

*The Life of Ibn Sina*, a critical edition and annotated translation by William E. Gohlman, Albany, N. Y.: State University of New York Press, 1974;

همو، الشفاء المنطق، ج ۱، الفن الأول المدخل، چاپ ابراهیم مذکور و دیگران، قاهره ۱۹۵۲/۱۳۷۱، چاپ افست قم ۱۴۰۵؛ همو، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۶۴ ش؛ علی بن زید بیهقی، کتاب تمه صوان الحکمة، لاهور ۱۳۵۱؛ حاجی خلیفه؛ محمد صالح حائری مازندرانی، حکمت ابوعلی سینا، ج ۲-۱، چاپ حسن فضالی، ج ۵-۳، چاپ حسین عمادزاده، [تهران] ۱۳۶۲ ش؛ محمدبن محمود شهرزوری، نزهة الارواح و روضة الافراح

1. Rieu

2. William E. Gohlman

# دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، تهران، ۱۳۷۳.

۳۵ ابوعلی جوزجانی

شعار، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعبان ارونو و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ رودراوری، محمد بن حسین، ذیل کتاب تجارب الامم، به کوشش ه.ف. آمدرن، قاهره، ۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۶ م، ج ۳؛ شالچی، عبود، تعلیقات بر نشوار المحاضرة تنوخی، بیروت، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م؛ شریف رضی، محمد بن حسین، دیوان، به کوشش احمد عباس ازهری، بیروت، ۱۳۱۰ ق؛ ضای، هلال بن محسن، «الجزء الثامن من تاریخ»، به کوشش آمدرز و مرگلیوت، همراه ذیل کتاب تجارب الامم (نک: هم، رودراوری)؛ باقی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۸ ق.

ابوعلی جبایی، نک: جبایی.

ابوعلی جوزجانی، حسن بن علی، از عرفای خراسان در سده ۳ و اوایل سده ۴ ق / ۹ - ۱۰ م.

تاریخ ولادت وی دانسته نیست، اما سلمی او را با محمد بن علی ترمذی (د ح ۳۲۰ ق) و محمد بن فضل بلخی (د ۳۱۸ ق) تقریباً هم سن دانسته است (ص ۲۴۲؛ نیز نک: انصاری، ۲۷۰؛ جامی، ۱۲۸؛ شعرانی، ۹۰/۱). ترمذی، به گفته ذهبی، ۸۰ سال (۶۴۵/۲)، و به گفته ابن حجر ۹۰ سال زیسته است (۳۱۰/۵). از این رو، می توان تاریخ ولادت ابوعلی جوزجانی را با فرض اینکه سنش نزدیک به سن ترمذی و بلخی بوده باشد، بین سالهای ۲۳۰ - ۲۴۰ ق / ۸۴۵ - ۸۵۴ م دانست. محل ولادت وی نیز شناخته نیست، اما از دیدار علی بن بندار صیرفی با وی در جوزجان (گوزگان) (سلمی، ۵۳۳؛ انصاری، ۲۴۸) و از شهرت وی به جوزجانی و همچنین مصاحبت با مشایخی که همه آنان از خراسان بوده اند (سلمی، همانجاها، ۱۵۹، ۴۷۲)، چنین برمی آید که زندگانی وی عمدتاً در جوزجان و یا پیرامون آن (در خراسان) سپری شده است.

از نحوه سیر و سلوک و استادان او اطلاعی در دست نیست. برخی او را مرید ترمذی دانسته اند (هجویری، ۱۸۶؛ عطار، ۵۶۲)، اما با توجه به آنکه سلمی تنها به مصاحبت او با ترمذی اشاره دارد (ص ۲۴۲) و آن دو را تقریباً هم سن دانسته است، ظاهراً ارتباط مرید و مرادی بین آن دو بعید می نماید.

ابوعلی با کسانی چون محمد بن فضل بلخی، ابو عثمان سعید و عبدالله بن محمد رازی نیز مصاحبت داشته است (سلمی، همانجاها؛ ابونعیم، ۳۵۰؛ انصاری، همانجاها، ۴۳۸؛ شعرانی، همانجا). برخی از سخنان ابوعلی از طریق عبدالله بن محمد رازی به سلمی رسیده است (نک: سلمی، ۲۴۳). مریدان و شاگردان وی دقیقاً شناخته نشده اند، جز آنکه هجویری از ابراهیم سمرقندی به عنوان مرید وی یاد می کند (همانجا).

ابوعلی افزون بر سخنانی که درباره خوف، رجا، محبت، صبر، رضا و دیگر موضوعات عرفانی گفته (سلمی، ۲۴۲ - ۲۴۳؛ ابونعیم، همانجا؛ قشیری، ۲۰۰؛ عطار، ۵۶۲ - ۵۶۳)، آثاری نیز در باب ریاضات، مجاهدات، معاملات و آفات سیر و سلوک داشته است (کلابازی، ۳۲ - ۳۳؛ هجویری، همانجا؛ انصاری، ۲۶۹؛ عطار، ۵۶۲).

(ابن کثیر، همانجا).

در این میان ابو جعفر حجاج که پیش از امارت عمیدالجیوش به جنگ با مقلد بن قراوش از بغداد بیرون رفته بود، در نواحی کوفه ماند و به مخالفت با عمیدالجیوش برخاست و در ۳۹۳ ق / ۱۰۰۳ م برای جنگ با وی گروهی از ترکان و دیلمیان را گرد آورد. عمیدالجیوش او را درهم شکست و به سوی خوزستان رفت. در شوش خبر یافت که ابو جعفر به کوفه بازگشته است. وی نیز به عراق رفت و بار دیگر دست به جنگ گشود. در این میان بهاء الدوله او را مأمور سرکوب ابوالعباس ابن واصل در بطائح کرد (ابن اثیر، ۱۷۴/۹) و در ۳۹۴ ق سپاهی تدارک دید و با عمیدالجیوش به بطائح فرستاد، اما او از ابن واصل شکست خورد و به واسط گریخت. در آنجا سپاهی گرد آورد و باز به بطائح حمله برد و چون ابن واصل با گماشتن نابی شهر را ترک کرده بود، عمیدالجیوش کسی را از جانب خود بر آنجا گماشت (همو، ۱۸۱/۹ - ۱۸۳). بهاء الدوله که منتظر فرصتی بود تا بدرین حسنیة گردد، هم پیمان ابن واصل را سرکوب کند، در ۳۹۷ ق عمیدالجیوش را به جنگ او فرستاد. اما بدر بیناک از عمیدالجیوش طریق صلح پیمود و عمیدالجیوش با گرفتن مخارج لشکر کشی بازگشت (همو، ۱۹۶/۹ - ۱۹۷).

در ۴۰۱ ق قراوش بن مقلد امیر بنی عقیل در موصل، انبار، مداین و چند شهر دیگر نام القادر بالله خلیفه عباسی را از خطبه بینداخت و به نام الحاکم فاطمی خطبه خواند. بهاء الدوله به درخواست خلیفه بغداد، عمیدالجیوش را به جنگ قراوش فرستاد، اما کار به صلح انجامید و بار دیگر خطبه به نام القادر خوانده شد (همو، ۲۲۳/۹؛ نیز نک: ه.د، آل بویه). این واپسین فعالیت مهم نظامی عمیدالجیوش بود، زیرا چندی بعد در ۱۹ جمادی الاول همین سال در ۴۹ سالگی، زمانی که پدرش هنوز در قید حیات بود، درگذشت. بیکر او را در بغداد در مقبره قریش به خاک سپردند و شریف رضی ادیب برجسته علوی او را دفن کرد و در مرگ او مرتبه ای سرود (۱۱۱/۱ - ۱۱۴؛ ابن اثیر، ۲۲۴/۹).

منابع از او به عنوان سرداری شجاع و باکفایت و حاکمی عادل یاد کرده اند که حتی در زمان خود بیش از پدرش شهرت یافت. وی در تحولات پس از مرگ عضدالدوله و اختلاف میان جانشینان او نقشی فعال داشت. خاصه در تثبیت حکومت بهاء الدوله در خوزستان و بغداد بسی کوشید. با اینکه منابع از کشتار مردم به دستور وی در بغداد سخن گفته اند، اما به نظم و عدالتی که در قلمرو خویش برقرار کرده بود، نیز اشاره کرده اند. در این باره برخی منابع حکایاتی نقل کرده اند که قابل تأمل است (نک: ابن اثیر، ۲۲۴/۹، ۲۲۵؛ ابن جوزی، ۲۵۳/۷؛ ابن کثیر، همانجا؛ ذهبی، همانجا). افزون بر شریف رضی، بقاء نیز ابوعلی را در اشعار خود ستوده است (ابن جوزی، همانجا؛ شالچی، ۱۶۰/۳).

مآخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۸ ق؛ ابن کثیر، البدایة والنهایة، به کوشش احمد ابوملحه و دیگران، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛ جرفادقانی، ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمنی، به کوشش جعفر